نگاه

پرسش‌ها و انگاره‌های بی‌پایان

پل جوئل*

کسی یافت می‌شود تا شیفته کسالت‌باری و رکود باشد؟ ما پیش از این در چنین نقطه‌ای قرار نداشتیم که تا قبل از شروع تورنمنت با هیجان و شوری وصف‌ناپذیر شب را به روز برسانیم و پس از شروع آن و مشاهده نتیجه‌اش بسان انسانی باشیم که از فرط کسالت و لبریز گشتن شکیبایی‌اش بر زمین دراز بکشد و چشم‌هایش را ببندد! اگر با نگاهی منصفانه به این تصویر بنگریم درمی‌یابیم که انگلستان هیچگاه آن طراوت و هیجان را در نمایشش در برابر پاراگوئه جاری نساخت. اما خب! وقتی دیروز صبح به جدول گروهمان «دید» می‌زدم آنقدرها هم اوضاع را ناامیدکننده نیافتم. انگلستان در صدر گروهش جای دارد و این نمی‌تواند آنچنان بد باشد. وقتی که عملکرد و زیبایی فوتبال در زیر سایه نتیجه سرافکنده می‌شود آن زمان است که باید احساس خطر کرد برای از دست دادن سرزندگی فوتبال! بله! انگلستان در برابر پاراگوئه عملکرد ضعیف و انتقادآمیزی از خود ارائه داد. بسیار پایین‌تر از حد استانداردی که از پیش برای این تیم سنجیده بودیم. اما یک پیروزی ساده در برابر ترینیداد و توباگو در عصر پنجشنبه می‌تواند این تیم را به مرحله بعدی سوق دهد. در این ۵۰ و اندی ساعت که از آن بازی سپری شده است کم‌کم شکوه‌ها و نگاه بدبینانه و همه آن غرولندها کمرنگ شده، و حالا مردم به این نکته می‌اندیشند که ما چگونه می‌توانیم در ادامه راه توان سرعتی‌مان را افزایش دهیم و همان مجموعه‌ای باشیم که از ما توقع می‌رود! اجازه دهید کمی ساده بنویسیم! من به‌رغم اینکه می‌دانم دیگر این روزها نتیجه‌ای قطعی پیش از مسابقه وجود ندارد و اینکه تمام تیم‌های حاضر در چنین تورنمنت‌هایی حتی اگر این تیم به کوچکی و کم اعتباری T&T (ترینیداد و توباگو) باشد تا بن دندان مسلح و سازمان‌یافته شده‌اند اما کاملاً یقین دارم که انگلستان به راحتی T&T را از پیش روی کنار خواهد زد!

سناریوی حیرت‌انگیزی است. وقتی اکنون همه از میان انگلیسی‌ها از عملکرد و شیوه گردش توپ تیم کشورشان گله دارند اما همین افراد و یا بهتر بگویم تمام مخاطبان جام از عملکرد حیرت‌انگیز و قابل تحسین T&T در برابر سوئد آن هم به رغم از دست دادن یک مهره در اوایل نیمه نخست شگفت‌زده شده‌اند. این مجموعه مرا متاثر ساخت! دو تن از فوتبالیست‌های این کشور که مرا بیش از بقیه از خود بیخود ساخت «دنیس لاورنس» و نیز شریکش در خط دفاعی و مدافع گلینگام یعنی «برنت سانچو» بود. او به همان اندازه بازی‌اش چشم مرا خیره کرد که ریکلمه در ترکیب آرژانتین در برابر ساحل عاج... ! امروز که دارم این نوشته را می‌نویسم از محاسن و استعدادها و نکته‌های مثبت این تیم سخن می‌گویم، که البته در عوض به عنوان یک انگلیسی از ته قلب دوست دارم صبح جمعه که برای گاردین تحلیل بازی ما با T&T را خواهم نوشت از ضعف‌ها و نکته‌های بحث‌برانگیز شاگردان بین‌هاکر مطلب بنویسم! پس از بازی با پاراگوئه، انتقادات بسیاری به سوی اریکسون و بازیکنانش سرازیر شد. اینکه بازیکنان در دادن پاس به یکدیگر آن چنان چشم‌نواز و موثر عمل نمی‌کردند، حفظ توپ و نگهداری آن و تسلطمان بر جریان بازی ناامیدکننده بود و دیگر اینکه کم‌کم به سپری شدن زمان قواها و بدن‌ها تحلیل رفتند و تیم هارمونی آشنایش را از دست داد. باید بگویم که من نیز با این تئوری آشکار هم‌نظر هستم که تیم کنونی‌مان از منظر غنای فردی و توانایی‌های انفرادی یک تیم بی‌نظیر است. مسئله دیگر که بسیار بر روند حرکتی و نظم و نظام تیمی انگلستان اثر گذاشت، شرایط جوی فرانکفورت و گرمای سرگیجه‌آوری بود که چنین عاملی برای یک دست مهره‌هایی که با سرعت بالا بازی می‌کنند دردسرساز است! خب! برای چند دقیقه می‌توان در چنین شرایطی دوام آورد اما وقتی که به اواخر بازی نزدیک می‌شوید، کم‌کم حس می‌کنید اتفاق نادری برایتان در حال وقوع است. شرایطی که به صورت طبیعی آن را تجربه نکرده‌اید. خوشبختانه نکته‌ای که می‌تواند سبب امیدواری شود این است که بازی بعدی‌مان با T&T در ساعت ۱۹/۳۰ آغاز خواهد شد و در آخرین نبردمان باید به مصاف سوئد برویم. آن هم در شب...!

گذشته از اینها در بازی نخست در برابر پاراگوئه ما یک بر صفر پیروز شدیم. در حالی که بازیکنان تیم می‌دانستند که توانایی شکست دادن رقیب لاتینی‌شان آن هم با نتیجه‌ای سنگین را دارند. اما خب! بر طبق این سناریو انگلستان ضرورتی ندید تا خود را ۹۰ دقیقه به دردسر بیندازد تا گل‌های زده‌اش را افزایش دهد. ولی از نکته‌ای نباید غفلت کرد. اگر مثلاً این تیم را به جای پیروزی با حداقل اختلاف، آنگاه ۳ بر صفر مقهور می‌ساختیم، می‌توانستید تصور کنید که مردم تا اندازه هیجان‌زده و لبالب از شور می‌گشتند؟

اما حتی اگر در صورت آن پیروزی کم‌رنگ انگلستان به یک برتری دو بر صفر نیز دست می‌یافت امروز دیگر چنین نکات منفی‌ای علیه مجموعه سرازیر نمی‌شد. مثلاً استیون جرارد در آن بازی واقعاً «آنی» نبود که در لیورپول نشان می‌دهد. شاید دلیلی هم نداشت تا تمام توان و انرژی‌اش را تخلیه کند! یا به یاد نمی‌آورم پل رابینسون به‌رغم تملک قابل توجه پاراگوئه بر توپ در نیمه دوم، در طول مسابقه به دردسر افتاده باشد. حقیقتاً انگلستان در طول مسابقه تحت فشار قرار نگرفت. نمی‌توانم حتی اگر بخواهم نیز تعویض مایکل اوون در نیمه دوم را غیرقابل باور بخوانم. زیرا اوون در سال جدید بیش از یک نیمه در نیوکاسل بازی نکرد و همین دوری از شرایط بازی موجب شد تا نتواند تمام توانش را به تیم القا کند. همین موجب امیدواری است که در بازی پنجشنبه برابر T&T تاثیرش بر جریان بازی پررنگ‌تر و ملموس‌تر باشد. اما نمی‌توانم دیگر در قبال این نکته بی‌تفاوت باشم. به اندی جانسون و جرمن دفو حق می‌دهم که وقتی در حال تماشای بازی کشورشان بودند حیرت‌زده و متعجب شوند. در آن مسابقه بیرون رفتن اوون و متعاقب آن جایگزینی مهاجمانی چون این دو به جای او می‌توانست تصمیمی عقلانی و منطقی به نظر آید. راستی! مگر اریکسون «تئو ولکات» را ندارد؟ مگر او را نبرده...؟ اگر به او اعتقاد دارد چرا بازی‌اش نداد؟ اگر به او ایمان ندارد پس چرا او را با مجموعه همراه ساخته...؟ اینها معادلات و پرسش‌های مجهولی است که پنجشنبه عیان خواهد شد!

*سرمربی ویگان اتلتیک و ستون‌نویس گاردین در جام جهانی ۲۰۰۶

اگر بدشانسی مجال دهد

این مرتبه؟حتماً...

سهیل نوری‌پناه: چنین جمله‌ای برای مردم اسپانیا- حال از هر ایالتی!- دیگر یک کلیشه کسل‌کننده و تهوع‌آور است. کشوری که در اروپا حداقل فوتبال را در سیطره خود می‌پندارد انتظار دارد این بار «لاسلکسیون» به مدد بهره‌جستن از ستارگان متعددش خصوصاً در خط میانی در آستانه جام و یا تصاحب آن برسد. فوتبالی که در سطح باشگاهی خود را برتر می‌داند- گرچه آمار نیز این را تصدیق می‌کند- در گودال بی‌رحم و احساس «این» فوتبال نه سال‌ها که دهه‌هاست رنگ موفقیت را در سطح ملی به خود ندیده است. آلفردو رلانیو سردبیر روزنامه آس مادرید در خصوص تیم کنونی که لوییس آراگونس در آخرین وظیفه مربیگری‌اش مسئولیت هدایت آن را عهده‌دار است می‌نویسد:

«این بار آلمان و سال ۲۰۰۶! سال‌ها است که به امید قهرمانی به چنین تورنمنتی می‌رویم و هربار حال به هر شیوه‌ای در چنگال ناکامی دست و پا می‌زنیم. اما این مرتبه قلبم چیز دیگری می‌گوید. یعنی می‌توانیم؟!»

بله! این بار و «این» اسپانیا حقیقتاً می‌تواند؛ چون وقتی نگاهی به مهره‌ها و ستاره‌های متعدد دانای هورتالتسا بیندازیم به چنین تلقی از «لاسلکسیون» خواهیم رسید:

مجموعه‌ای لبالب از استعداد که به لطف حضور چهره‌های متعدد این تیم در باشگاه‌های دیگر اروپا- بهتر است بگوییم بریتانیا که از دل آن استعدادها بدل به بهترین‌ها می‌شوند و لازم نیست نمونه‌های متعدد آن را برشمریم!- از صافی حرفه‌ای‌گری و استحکام آشنای این فوتبال گذر کردند و حال در بهترین دوران فوتبالشان به سر می‌برند. مثلاً لازم نیست از توانایی‌های آخرین محصول این کشور که وقتی از صافی فوتبال قدرتی و حرفه‌ای انگلستان عبور کرد و بدل شد به بهترین پدیده فوتبال اروپا سخن بگوییم. یعنی سسک فابرگاس!

این فوتبال که در آن امثال ژابی آلونسو، سسک فابرگاس، لوییس گارسیا، پپه رینا، اسیر دل اورنو و خوسه آنتونیو ریس از چنین فضایی تبدیل به فوتبالیست‌هایی با درک کاملی از توانایی‌ها و وظایف می‌شوند چرا باید با تلفیق آنها با ستاره‌های «لالیگایی‌اش!» بسان رائول، پویول، فرناندو تورس، ژاوی و ایکر کاسیاس به قهرمانی در جام جهانی امید نداشته باشد. این تنها مقدمه‌ای بود بر حال و احوال کشوری که فوتبال را می‌پرستد و این روزها جدا از گاوبازی‌های مروج در پامپلونا و فوتبال در جای‌جای ایالاتی چون گالیسیا، کاستین، اندلوسین، کاتالان، والنسین و باسک حال سرگرمی‌هایی چون هندبال، فرمول یک و تنیس نیز در این دیار در میان طیف گسترده مردم محبوب گشته است. اما این بار... فوتبال... شاید؟!

وقتی اسپانیا به لایپزیک می‌رود تا نخستین دیدارش را در جام جهانی ۲۰۰۶ آن هم با امید و روحیه‌ای بی‌نظیر برابر وارثان والری لوبانوفسکی انجام دهد، قابل پیش‌بینی خواهد بود احساسات هواداران این کشور آن هم در شرایطی که این بار بی‌تاب‌تر از هر زمان به فکر قهرمانی هستند. آراگونس برای قهرمانی و یا حداقل حضور در جمع چهار تیم جهان که بی‌تردید همین می‌تواند برای مردم این کشور دستاوردی باشکوه تلقی شود آنقدر ستاره و مهره توانا در اردویش می‌بیند که گهگاهی چنین ترافیک حاکم در مناطق مختلف میدان او را دچار سرگیجه می‌کند. این پرسش‌ها و معماهای «چندگزینه‌ای» بیشتر در درون دروازه، سمت چپ و راست خط دفاعی، کمربند خط میانی و با کمی مبالغه در خط حمله پررنگ‌تر و چشمگیرتر است. آنجا که در آخرین منطقه زمین سه دروازه‌بان بزرگ و آماده چون ایکر کاسیاس- که در این سه فصل بی‌برکت مادرید! حقیقتاً او شایسته صفت کهکشانی بوده است- سانتی کانیزارس- که در فصلی که گذشت یکی از ارکان اصلی پرواز دوباره تیم کیکه فلورس بود- و نیز پپه رینا- که این کاتالونیایی در آنفیلد دیگر «کپ»ها را از ناتوانی سنگرشان تا مرز مرگ پیش نمی‌برد- سه نامی هستند که بی‌شک هر یک از این سه می‌توانستند در بهترین تیم‌های جام جهانی جایگاهی ثابت و قابل اعتبار برای خود مهیا کنند. نکته وقتی شیرین می‌شود که بدانیم دروازه‌بان قهرمان اسپانیا و اروپا یعنی ویکتور والدس به سبب همین شلوغی جایی در اردوی «لاسلکسیون» ندارد! به احتمال فراوان این بار نیز ایکر کاسیاس است که گوی رقابت از سانتی کانیزارس ۳۷ساله و بسیار کارکشته را می‌رباید و در درون دروازه اسپانیا نقش ناجی- صفتی که بحق برازنده‌اش است- را ایفا می‌کند. او در آخرین گفت‌وگویش تا پیش از نبرد حساس با اوکراین حرف‌های جالبی به روزنامه مادریدی مارکا می‌زند: «خیلی‌ها از جمله توده خاصی از مردم به توانایی‌ها و موقعیت ما ایمان ندارند. اما باید این تیم را باور داشت و به آن اعتماد کرد. بدشانس؟ آه... چه واژه آشنایی است برای اسپانیا... سال‌ها است با چنین بداقبالی‌هایی ناکام شده‌ایم. اما این بار امیدوارم چنین حادثه‌ای به سراغ ما نیاید.» کاسیاس می‌داند که بازی نکردن آندره شوچنکو- که در میان دیگر هم‌تیمی‌هایش بسان پادشاهی است در میان گداها- یک موهبت بزرگ است. اما او ظاهر حرفه‌ای‌اش را از دست نمی‌دهد و می‌گوید: «شوچنکو دیگر نیازی به تمجید و تحسین ندارد. او گلزنی است خطرناک، فوتبالیستی که در دنیا یک نام جاودانه است. او کسی است که مرد سال فوتبال اروپا بوده و فوق‌العاده توانا است. اما چه او باشد و چه نباشد رویکرد ما نسبت به این بازی یکسان است. اگر او باشد، جدا از اینکه می‌تواند برای ما ایجاد دردسر کند، چند مدافع ما را مشغول خود می‌کند و همین موجب می‌شود که برای دیگر مهاجمان اوکراین فضا ایجاد شود!»

بله! حضور شوچنکو در لایپزیک می‌تواند وظیفه مدافعانی چون کارلس پویول و پابلو ایبانیه‌ز را سخت‌تر کند. این دو گرچه یکی کاپیتان قهرمان اروپاست و برای خود مدافعی است در سطح کلاس جهانی و دیگری هنوز جویای نام است و گهگاه اشتباهات عجیب نیز از او سر می‌زند اما نمونه کاملی از یک زوج ایده‌آل در خط دفاعی هستند. کارلس پویول مدافعی که بارزترین ویژگی‌اش جنگندگی، بازیخوانی و تبحرش در تهییج هم‌تیمی‌هایش است سال‌هاست به عنوان برترین مدافع این کشور مطرح شده است. اما کوتاهی قامتش همیشه بزرگترین دشمنش بوده است. اما پابلو ایبانز مردی است با قامتی نزدیک به یک متر و ۹۲ سانتی‌متر که بر خلاف پویول که تنها ۱۷۶ سانتی‌متر بلندی قامت دارد در توپ‌های هوایی تخصص خاصی دارد. او بالاخره توانست جایش را در تیم ملی ثابت کند و از ضعف‌های مکرر کارلوس مارکنا در والنسیا بهره ببرد. او در آتلتیکو مادرید بازی می‌کند و اتفاقاً در آنجا نیز در کنار خود مدافعی می‌بیند که از لحاظ بلندی برابر است با کارلوس پویول... یعنی لوییس پریا کلمبیایی...!

اما کناره‌های خط دفاعی چه در چپ و چه در راست مکانی است که یکی از معماهای دانای هورتالتسا یعنی آراگونس از آنجا نشات می‌گیرد. در راست وقتی میشل سالگادو که تا سال گذشته در زمره بهترین مدافعان راست دنیا قرار داشت و جایش را در مادرید به سیسینیو واگذار کرد به مرور به حاشیه رانده شد و با وجود دعوتش به تیم ملی اما آراگونس چندان بر روی او حسابی باز نکرده است. چرا که می‌خواهد از سرجیو راموس- که به او اعتقاد بسیاری دارد- در آن سمت از زمین بهره جوید. راموس این جوان آندلسی که در بازی‌های اخیر اسپانیا در همین منطقه از میدان مورد آزمایش قرار گرفت وظیفه‌های متنوعی در زمین خواهد داشت. چرا که او در حالی که یک متوقف‌کننده حرفه‌ای است به جلو نیز می‌رود و در سویا و حالا در مادرید بر روی ضربات شروع مجدد گل‌های فراوانی را به‌ثمر می‌رساند. او حتی در فصل پیش در نخستین روزهای ورود خوان رومن لوپس کارو به عنوان یک هافبک تدافعی در زمین ظاهر شد تا ضعف مفرط پابلو گارسیا در انجام وظایفش را جبران نماید. اما چرا او به سمت راست خط دفاعی منتقل شده است؟ زیرا او یکی از سریع‌ترین مدافعان حال حاضر دنیاست و آراگونس آنقدر کارکشته و باهوش است که بداند از او در کجای زمین استفاده کند؟! در سمت راست اوضاع به مراتب بهتر و امیدوارکننده‌تر است. پس از مصدومیت اسیر دل هورنو و متعاقب آن بازگشتش به اسپانیا مانوئل پرنیا گوی سبقت را از خوان کاپدویلا ربود و با اختیار کردن ملیت اسپانیایی بسان مارکوس سنا به جام جهانی راه یافت. حال در سمت چپ رقابت اصلی میان پرنیا و آنتونیو لوپز است که اولی به قول همکاری که می‌گفت: «پرنیا باعث شده تا خاتفه تیم جذابی شود» در حال حاضر یکی از بهترین کاشته‌زن‌های دنیا است. شوت‌های وحشتناکش هیچ‌گاه در لالیگا ساکت نشد و او البته زیباترین گل اروپا را به بارسلونا در فصل اخیر به ثمر رساند. با اینکه آنتونیو لوپز در فصل گذشته در ترکیب روخی بلانکو- آتلتیکو مادرید- عملکرد مثبتی داشت ولی احتمالاً این پرنیا است که آن منطقه را به سیطره خود در خواهد آورد. در خط میانی اوضاع نیز بسان دو سمت از منطقه دفاعی است. حضور ژاوی هرناندز، ژابی آلونسو، آندرس اینه‌ستا، سسک فابرگاس و دیوید آلبلدا انتخاب را برای آراگونس دشوار ساخته است. او برای کمربند خط میانی‌اش و استحکام آن مارکوس سنا را اسپانیایی ساخت. او نسخه دیگری است از کلود ماکلله... در کنار او ژابی آلونسو و ژاوی قرار خواهند گرفت. حتی اگر بدانیم سسک فابرگاس در فصلی که گذشت از تمامی این جمع آماده‌تر بود. اما جدا از این در زمان‌های خاصی از بازی که تیم احتیاج به خلاقیت و سرعت دارد آندرس اینه‌ستا که فصل بی‌نظیری را در کاتالان سپری کرد به زمین خواهد آمد و برای کارهای دفاعی این دیوید آلبلدا خواهد بود که جانشین یکی از هافبک‌های پاسور می‌شود. هر چند ممکن است آراگونس از میان ژابی و ژاوی یکی را فدای سسک فابرگاس کند که اکنون آماده‌ترین است! در سمت چپ، یعنی جایی که یک بال وظیفه حرکات لب خط دارد حضور خوسه آنتونیو ریس محتمل است. او در آرسنال فصل خوبی را پشت سر گذاشت. اما با این حال شاید خیلی‌ها آرزو می‌کردند ای‌کاش ویسنته می‌توانست با آمادگی دو سال گذشته‌اش به جام جهانی بیاید و آن منطقه را از آن خود کند. در سمت راست اوضاع چندان مساعد نیست. آن هم به‌رغم حضور جوانی لبریز از سرعت و قابلیت چون خواکین سانچس... او مانند تیم ایالتش در آندلس یعنی رئال بتیس بدترین فصل ممکن را سپری کرد. او در دوران رکود فوتبالش به سر می‌برد. اما با این حال در سمت راست انتخاب نخست آراگونس خواهد بود. شاید همین عدم توفیق در لالیگای اخیر برای او موجب انگیزه شود که با نمایش‌های عالی‌اش در آلمان بار دیگر بر سر زبان‌ها بیفتد. گرچه خیلی‌ها از جمله خودم به عنوان یک هوادار فوتبال اسپانیا آرزو داشتم آراگونس گوشه‌ای از لطفش را شامل حال خسوس ناواس پدیده ۲۰ساله سویا می‌کرد و او را به اردوی اسپانیا برای جام جهانی فرا می‌خواند. گرچه لوییس گارسیا نیز نمی‌تواند گزینه بدی برای عدم بازدهی خواکین باشد. در خط حمله کار برای آراگونس چندان پیچیده نیست. سه مهاجم که یکی از آنها رائول افسانه‌ای است و دو نفر دیگر نیز پدیده‌های گلزنی در فوتبال اسپانیا... فرناندو تورس که یک سرزن قهار است و دیگری داوید ویا که همه چیز دارد. از سرعت و نبوغ گرفته تا تکنیک، خلاقیت و گلزنی... رائول نیز با اینکه این روزها انتقادات زیادی بر او وارد شده اما تجربه والایش در سطح ملی را نمی‌توان نادیده گرفت. اما ستاره اسپانیا در این جام می‌تواند داوید ویا شود. کسی که یک تنه والنسیا را به لیگ قهرمانان رساند. این تیم و این مجموعه در نخستین گام وظیفه‌ای دشوار را برعهده دارد. گذر از اوکراین آن هم در صورت رسیدن شوچنکو به بازی می‌تواند کلیدی باشد برای حضور اسپانیا در خوان بعدی جام جهانی... ! و این اسپانیا آنقدر توانا است که بتواند سودای قهرمانی را سر دهد...!

نکته

اسپانیا - اوکراین

ورزشگاه Zentralstadion لایپزیک

داور: ماسیمو بوساکا (سوئیس)

■ترکیب احتمالی اسپانیا:

۱ ـ کاسیاس ۱۵ ـ سرجیو راموس ۵ ـ کارلوس پویول ۲۲ ـ پابلو ایبانز ۳ ـ ماریانو پرنیا ۱۶ ـ مارکوس سنا ۱۴ ـ ژابی آلونسو ۸ ـ ژاوی ۱۱ ـ لوئیز گارسیا ۹ ـ فرناندو تورس ۲۱ ـ دیوید ویا

■ترکیب احتمالی اوکراین:

۱ ـ شووکوفسکی ۵ ـ یزرسکی ۶ ـ آندری روسول ۱۷ ـ ولادیسلاو واشچوک ۲ ـ آندری نسماچنی ۱۴ ـ آندری هوسین ۴ ـ آناتولی تیموشچوک ۸ ـ اولگ شلایف ۲۱ ـ روسلان روتان ۱۱ ـ سرهی ربروف ۲۰ ـ اولکسی بلیک

شروعی مقتدرانه برای ایتالیا

محسن ابراهیمی: حداقل برای یک هفته آرامش به فوتبال ایتالیا برمی‌گردد و همه از فوتبال پاک حرف می‌زنند. در هیاهوی رسوایی‌های فوتبال ایتالیا، این تیم لیپی است که بدون دغدغه و با اقتدار جام را شروع می‌کند و تمام طرفدارانش را خوشحال می‌کند، طرفدارانی که فارغ از هر رنگ و تعصبی چشم به هانوفر داشتند تا تکه‌ای جدا شده از فوتبال مسموم را تماشا کنند و بعد به قضاوت نهایی بپردازند، اما وقتی بازی تمام می‌شود همه دوست دارند که تیم کشورشان پیراهن سفید بپوشد، چرا که سمبل پاکی است و این طور فقط می‌توان سلامت فوتبال داخل زمین را نشان داد. این حق مهمتر از فوتبال زیبایی است که آنها مقابل غنا نشان دادند و حالا در حد یک مدعی پیش می‌روند. همان‌طور که قبل از شروع این بازی سیلویو برلوسکونی به لیپی پیغام می‌دهد که فقط به تیمش فکر کند و راحت باشد اما ایتالیایی‌ها جملات دلگرم‌کننده‌تری نسبت به حرف‌های نخست‌وزیر سابق می‌خواهند؛ حرف‌هایی که فقط از لیپی و ستاره زمین آندره آ پیرلو می‌توان شنید. ایتالیایی‌ها حالا پیروز شده‌اند، قدم اول برداشته شد و در زیباترین روز جام جهانی شب خوبی را پشت سر گذاشتند. حداقل اینکه آنها را از پرونده رسوایی لوچانو موجی دور کرده است و حالا پا به جام جهانی گذاشته‌اند و تیمی را شکست دادند که قبل از بازی ترسناک بود اما در میدان نتوانست پابه‌پای ایتالیا جلو برود و در نهایت شکست خورد. اما برای ایتالیا هنوز هیچ چیز رویایی نیست. این فقط شروع زیبای آنها است. برای ایتالیا دو مسئله کاملاً مشخص شد: اول اینکه آنها خوب شروع کردند و برخلاف اینکه تیم‌های بزرگ هنوز در اندازه و نام خود نشان نداده‌اند، ایتالیا از همه بهتر بازی کرده است البته نباید فراموش کرد که آنها چهار سال قبل هم مقابل اکوادور دو بر صفر پیروز شدند اما به زحمت به مرحله دوم صعود کردند و در نهایت توسط کره جنوبی حذف شدند. اما اینجا حداقل ایتالیایی‌ها توانسته‌اند تمام فشارها و انتقادات را کنار بزنند و پاهایشان را روی زمین بگذارند و به پیروزی دو بر صفر مقابل غنا برسند. این را فقط خودشان می‌دانستند که با چه کیفیت و توانی بازی می‌کنند و سزاوار این پیروزی هستند.

مسئله دوم هم به این برمی‌گردد که مارچلو لیپی بهتر از هر کسی تیمش را می‌شناسد و بعد از دو سال کار با این بازیکنان سرانجام تیمی را به میدان می‌فرستد که ایده تاکتیکی مشخصی دارد، خوب بازی می‌کند، موقعیت‌های خوبی را به‌دست می‌آورد، ریسک می‌کند و سه امتیاز سزاوارانه را در جیب می‌گذارد. گل‌های پیرلو و یاکوئینتا نشان می‌دهد که آنها از هر فرصتی می‌توانند برای رسیدن به پیروزی استفاده کنند و همین هم کافی است تا برای بازی مقابل چک و آمریکا امیدوارانه زندگی روزانه‌شان را ادامه دهند. برای ایتالیایی‌ها که در ابتدای بازی مائورو کاموارانزی را در میدان نمی‌دیدند همه چیز با تعجب شروع شد اما لیپی پروتا را در کنار پیرلو قرار داده بود تا زوج جدید خط هافبک ایتالیایی شکل بگیرد و هر چه از زمان بازی می‌گذشت آنها هماهنگ‌تر می‌شدند و در آخر هم با لبخند از این قدرت بزرگ میانه میدان حرف می‌زدند. هر چند پیرلو ستاره بازی لقب گرفت اما متعصب‌های ایتالیایی از پروتا هم راضی هستند که عالی بازی کرد و اگر در نیمه دوم خسته نمی‌شد لیاقت این را داشت که یک گل هم به ثمر برساند. همه چیز در اردوی ایتالیا خوب است، به جز توتی و مهاجمانی که هنوز گل نزده‌اند و نگرانی‌های هفته قبل وجود دارد. از وقتی که ایتالیا پایش را به آلمان گذاشته عملکرد ناقص جیلاردینو، تونی و پشت‌سر آنها توتی باعث شد که همه نگران گلزنی این تیم باشند. در این بازی هم جیلاردینو اشتباهات بسیاری مرتکب شد. تونی آماده نبود و فرانچسکو هم با ترس بازی می‌کرد و در نهایت هم روی تکل هافبک غنایی ترجیح داد تا بیرون برود و استراحت کند. اما آمدن آیشل - دل پیرو- و بعد هم یاکوئینتا همه چیز را روبه‌راه کرد. ایتالیا مقابل غنا تمام راه‌ها را امتحان کرد دو گل زد، یک‌بار توپ به تیر دروازه برخورد کرد و دو بار هم کینگستون مانع گل شد. البته غنا هم حریف کوچکی نبود. آنها حتی روی خطای د روسی که می‌توانست یک پنالتی برای غنا باشد به داور معترض بودند. اما نقطه قوت آفریقایی‌ها که با اسین و آپیا همراه بود در نقطه دیگر و با ضعف کوفور و منسا همراه می‌شد و همین برای حریف اروپایی کافی بود تا حساب بازی را به نفع خود تمام کند و آخرین ترس‌های جام را نیز کنار بگذارد. اما هنوز تیم رویایی نیستند و فقط می‌توان آن را دوست داشت. تا پایان راه فاصله بسیار زیادی مانده است. چرا که جمهوری چک هم خوب شروع کرده است و رقابت از اینجا شروع می‌شود که هر دو برای دوری از برزیل حداقل تا نیمه‌نهایی باید برنده دوئل بزرگ باشند. این همان آرزویی است که از روز اول قرعه‌کشی وجود داشته و همه دوست دارند تیمشان در اوج آمادگی به مصاف مدعی اول قهرمانی برود. هنوز برای رویارویی بزرگ آماده نیستند ولی امیدوارانه شروع کرده‌اند. حداقل رضایت در اردوی ایتالیا وجود دارد. آنها اولین سه امتیاز را گرفته‌اند و پیروزی مقابل غنا برایشان مهم است. مارچلو لیپی تصویر واقعی این شادی است: «همه راضی و خوشحال هستیم. ما دو گل زدیم و چند موقعیت خوب داشتیم که از آنها به خوبی استفاده نکردیم. خب این دلایل خوبی است که بعد از یک شب خوب و امیدوارکننده هم خوشحال و راضی باشیم و حتی از نقطه‌نظر بازی همه‌چیز برایمان مثبت بود.» لیپی راضی است، حتی وقتی که در نیمه دوم فرانچسکو توتی را تعویض می‌کند. «فرانچسکو خوب بازی کرد و من نمی‌خواستم که او صدمه ببیند. بعد از آن خطا، تعویض برنامه‌ریزی شده‌مان را انجام دادیم و اصلاً براساس ضرورت‌های دیگر این کار را نکردیم. ما می‌دانستیم که توتی برای چند دقیقه باید در زمین باشد.» لیپی ادامه می‌دهد: «من در اردوی تیم هم گفتم که مردم از این تیم خوششان می‌آید و حالا فکر می‌کنم که این طور شده است. برای من همه‌چیز خوشایند و جالب است. ما مقابل تیمی بازی کردیم که بازیکنان بزرگ و باکیفیتی دارد. ما بهتر بودیم و طی نود دقیقه قدرت خودمان را تحمیل کردیم. من از این تیم راضی هستم، چون این بازیکنان سزاوار شادی بزرگی هستند.»

آندره آ پیرلو ستاره بازی هم می‌گوید: «مهم این بود که پیروز شویم. نمی‌توانستم بهتر از این را تصور کنم. من گل زدم و ایتالیا در اولین بازی پیروز شد. بعد از گل هم هیجان بسیار زیادی داشتم، چون برایم کمتر چنین چیزی اتفاق افتاده. غیرقابل باور بود. قبل از بازی برادرم تلفن زد و از من خواست که در این بازی گل بزنم.»

چهره

باز هم آن حاشیه‌های قدیمی لاله‌ها

روبین فان‌پرسی بال راست تیم ملی هلند و باشگاه آرسنال شایعه هر گونه اختلاف و درگیری را با آرین روبن دیگر بال هلند تکذیب کرد. آرین روبن که در دقیقه ۱۸ دیدار با صربستان و مونته‌نگرو از پاس ارسالی و دقیق فان‌پرسی نهایت بهره را برد و تک گل سه امتیازی کشورش را به ثمر رساند با چنین نبوغ حیرت‌انگیزش نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرده است. اما در آن سمت از زمین یعنی در سمت راست جایی که روبین فان‌پرسی وظیفه سازماندهی کردن حملات لاله‌ها را از آن ناحیه از زمین دارد او به جز آن پاس گل بدل به یک مهره بی‌مصرف شده بود و کمتر توپی به او ختم می‌شد. فان‌پرسی وقتی خود را در حملات تیمی نیافت، کارهای فردی و نمایشی‌اش را آغاز کرد و به همین سبب بود که تا دقایقی آهنگ و هارمونی نارنجی‌پوشان تحت تاثیر قرار گرفته بود. او با بررسی چنین شرایطی چند ساعت پس از نخستین پیروزی کشورش در جام جهانی نتوانست ذات تند و آتشین‌اش را مهار کند و لب به انتقاد گشود: «نمی‌دانم این چه شرایطی است. من از عملکرد خودم اصلاً رضایت ندارم. اما به گونه‌ای بازی می‌کنیم که انگار من فقط می‌خواهم قهرمان جام جهانی شوم. در حالی با چنین نگرشی من به تنهایی نمی‌توانم تیم را به موفقیت برسانم. بله، قبول دارم که جز آن پاس گل در طول مسابقه نمایش کم‌فروغی داشتم اما توپ ایده‌آلی به من نمی‌رسید. البته تنها انتقاد من مربوط به عدم همکاری روبن نیست بلکه تلقی من از این شرایط این است که نظم و آهنگ تیمی به‌شدت ناامیدکننده است.» فان‌پرسی در ادامه می‌افزاید: نمی‌خواهم حرف‌هایی که دیروز زدم را امروز تکرار کنم. من دیروز از روبن انتقاد کردم اما خب! منظور خاصی از ارائه نظراتم نداشتم.» در این بین اظهارات آرین روبن بال چپ لاله‌های نارنجی که در بازی برابر صربستان همه‌کاره بود مهم به نظر می‌رسد: «اختلاف و دلخوری بین من و «روبین فان‌پرسی» نیست. هر چند معتقدم اینکه ما به گل دست پیدا کردیم بسیار مهمتر از این است که مثلاً بگوییم «روبین» در آن مسابقه توپ خوبی در اختیارش قرار نگرفت که موقعیت‌سازی و حرکت کند. بله، فروپاشیدن دروازه حریفان همواره لذت‌بخش است اما وقتی که بدانیم قرار است پیروز شویم این برای من شیرینی‌اش بیشتر است.» در ادامه روبن در خصوص تیمش می‌گوید: «من به بچه‌ها گفتم که چنین دستاوردی در نخستین مسابقه رضایتبخش بود. اکنون هم چنین نظری دارم. وقتی بازی را بازنگری می‌کنید شاید چندان از نمایشمان خرسند نشوید اما پیروزی مهم‌تر از هر چیز است، آن هم در چنان شرایطی...!» آرین روبن در خصوص بازی دوم هلند می‌گوید: «آنها زخم خورده‌اند و تحت فشار... باید آنها را مغلوب کنیم تا با خیال راحت به فکر مرحله بعدی باشیم!»

تیم رویایی

گل محمدی در تیم رویایی

انتخاب تیم رویایی در تورنمنت‌هایی مثل جام جهانی یکی از جذاب‌ترین کارها است.

از امروز قصد داریم این ستون را به تیم رویایی جام جهانی اختصاص دهیم و یازده بازیکن برتر جام جهانی را براساس عملکردشان در بازی معرفی کنیم. نحوه امتیازدهی نیز به این ترتیب است:

■حضور در بازی کمتر از ۶۰ دقیقه ۱ امتیاز
■حضور در بازی بیشتر از ۶۰ دقیقه ۲ امتیاز
■گلزنی دروازه‌بان ۸ امتیاز
■گلزنی مدافع ۶ امتیاز
■گلزنی هافبک ۵ امتیاز
■گلزنی مهاجم ۴ امتیاز
■پاس گل ۳ امتیاز
■هت‌تریک ۲ امتیاز
■گل نخوردن برای دروازه‌بان (حداقل ۶۰ دقیقه بازی کند) ۵ امتیاز
■گل نخوردن برای مدافع (حداقل ۶۰ دقیقه بازی کند) ۴ امتیاز
■گل نخوردن برای هافبک (حداقل ۶۰ دقیقه بازی کند) ۲ امتیاز
■مهار ضربه پنالتی ۵ امتیاز
■از دست دادن پنالتی (۳-) امتیاز
■گل به خودی (۳-) امتیاز
■خوردن هر دو گل (برای مدافع و دروازه‌بان) (۱-) امتیاز
■هر چهار Save ۳ امتیاز
■کارت زرد (۱-) امتیاز
■کارت قرمز (۳-) امتیاز
■گلزنی بازیکن ذخیره ۲